

بررسی نقش عوامل اقتصادی- اجتماعی مؤثر بر میزان مشارکت اجتماعی

(مطالعه موردی دامداران ۱۵ تا ۳۹ ساله شهرستان نور)*

جلال محمودی^۱

سید حکمت حکیم‌پور^۲

چکیده:

هدف از این پژوهش بررسی نقش عوامل اقتصادی- اجتماعی مؤثر بر میزان مشارکت دامداران در طرح‌های مرتعداری در مراتع شهرستان نور می‌باشد. روش تحقیق، پیمایشی بوده است و با روش نمونه‌گیری چند مرحله‌ای و تصادفی سیستماتیک نمونه‌ها انتخاب و اطلاعات با تکنیک پرسشنامه جمع‌آوری شد. با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون، آزمون t، آزمون آنالیز واریانس و رگرسیون چندمتغیره فرضیات از طریق نرم افزار Spss مورد آزمون قرار گرفت. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که همبستگی و رابطه بین میزان مشارکت در طرح‌های مرتعداری با متغیرهای آموزش دامداران، برنامه ریزی و سیاستگذاری، درآمد و میزان مخارج ماهیانه منفی و معکوس است. بین متغیر میزان آگاهی و اطلاعات، سن و سابقه دامداری با میزان مشارکت رابطه معناداری وجود ندارد. میانگین میزان مشارکت بر حسب پایگاه اقتصادی اجتماعی و میزان تحصیلات تفاوت معناداری داشته است. تحلیل رگرسیون نشانگر آن است که متغیرهای مستقل ۴۹/۵ درصد از تغییرات میزان مشارکت را تبیین نموده و میزان آموزش دامداران و میزان برنامه- ریزی و سیاستگذاری نقش بیشتری در مقایسه با سایر متغیرها در تبیین متغیر وابسته دارند. یافته- های این تحقیق نشان می‌دهد که یکی از عوامل مؤثر بر میزان مشارکت دامداران در طرح‌های مرتعداری، میزان آموزش دامداران است. به طوری که با افزایش میزان آموزش دامداران، به میزان مشارکت افزوده می‌شود و با کاهش میزان آموزش دامداران، از میزان مشارکت کاسته می‌شود.

کلید واژه: میزان مشارکت، عوامل اقتصادی- اجتماعی، آگاهی از طرح‌های مرتعداری، میزان آموزش، پایگاه اقتصادی و اجتماعی.

* تاریخ وصول: ۹۰/۹/۵ تاریخ پذیرش: ۹۱/۱/۲۰

۱- دانشگاه آزاد اسلامی واحد نور، استادیار گروه مرتع و جنگل

۲- کارشناس منابع طبیعی

۱- مقدمه

کشور ایران از جمله کشورهایی است که از رشد جمعیتی نسبتاً بالا برخوردار است. در بیشتر کشورهای در حال توسعه به دلایل مختلفی از جمله میزان رشد بالای جمعیت، گسترش شهرنشینی، کم‌اطلاعی یا عدم آگاهی بهره‌برداران از منابع طبیعی و عدم وجود برنامه ریزی دقیق از سطح و کیفیت منابع به طور محسوسی کاسته شده است. کاهش سطح نسبی منابع طبیعی در حدی است که این منابع در خطر نابودی قرار گرفته‌اند. در حال حاضر به دلیل استفاده بی‌رویه از مراتع، شاهد فرسایش بیشتر خاک و همچنین گسترش کویر در کشور هستیم. حل این مشکل از نظر بسیاری از صاحب نظران و دست‌اندرکاران منابع طبیعی، بحث مشارکت و جلب همکاری و بسیج همگانی است.

تهدید و تخریب مراتع پیامدهای حادی مانند فرسایش، سیل‌های ویرانگر، خشکسالی و غیره را به دنبال خواهد داشت. بنابراین مراتع در هر کشوری یکی از ارزشمندترین منابع به شمار می‌آید که با بهره‌برداری اصولی توأم با عملیات اصلاح و احیای آنها و در عین حال با استفاده از مشارکت‌های مردمی می‌تواند نقش مهمی را در جهت حفاظت آب و خاک و تأمین نیازمندی‌های غذایی کشور ایفا کند. طرح مشارکت اجتماعی به معنای سهیم شدن در منافع حاصل از یک کار جمعی یا عضویت در گروه خاص و فعالیت در یک عمل گروهی، تاریخی به اندازه زندگی اجتماعی بشر می‌باشد (بیرو، ۱۳۷۰، ۲۵۴).

در جهت حفظ و توسعه منابع طبیعی و مراتع کشور، اولین قدم توجه به مشارکت مردم به ویژه بهره‌برداران است. اکثر صاحب نظران توسعه اقتصادی - اجتماعی معتقدند که مشارکت عامل اصلی و تعیین کننده در فرآیند رشد و توسعه تمامی جوامع توسعه یافته و در حال توسعه می‌باشد. به عبارتی دیگر بدون جلب مشارکت مردم در طرح‌ها و پروژه‌های عمرانی و مرتعداری عملاً توسعه ای به صورت کامل صورت نخواهد گرفت. عده ای بر این اعتقادند که حیات کشورهای در حال توسعه در رقابت با کشورهای پیشرفته اقتصادی بستگی به شناخت و درک اهمیت مشارکت مردمی و به کارگیری درست آن در رسیدن به سطح زندگی مناسب، شایسته و دسترسی داشتن به منابع مورد نیاز دارد.

بعد از گذشت چندین سال از تهیه و تدوین و اجرای طرح‌های مرتعداری در استان مازندران و صرف هزینه‌های قابل توجه جهت انجام عملیات اصلاحی در مراتع و با توجه به نقش اساسی مشارکت مردم در طرح‌های توسعه روستایی - خصوصاً طرح‌های مرتعداری - ضرورت تعیین میزان نقش مشارکت بهره‌برداران در موفقیت طرح‌های مذکور آشکار می‌باشد. باید دید که مشارکت بهره‌برداران در کدام قسمت از طیف مشارکت قرار دارد. آیا مشارکت آگاهانه و داوطلبانه بوده یا ناآگاهانه و اجباری؟ مشارکت بهره‌برداران یک بعدی بوده - یعنی مشارکت مالی و انسانی - یا مشارکت چندبعدی بوده و مرتعداران مشارکت فکری نیز در مراحل مختلف طرح داشته‌اند؟ کیفیت، میزان تولید، گرایش و سایر ویژگی‌های فنی مراتع چگونه تحت تأثیر میزان مشارکت بهره‌برداران بوده است؟

به طور کلی سه عامل مردم، منابع و مشارکت از ارکان اصلی توسعه پایدار انسانی هستند و نقش مشارکت در این زمینه بسیار مهم است. بنابراین شناخت عوامل اقتصادی و اجتماعی بر مشارکت افراد در مراتع (بهره برداران از مراتع) اهمیت داشته و باید دید که این عوامل تا چه اندازه بر میزان مشارکت ذهنی و عینی آنها در طرح‌های مرتعداری مؤثر است؟

۲- اهمیت و ضرورت

منابع طبیعی یکی از ثروت‌های بسیار با اهمیت برای نسل‌های کنونی و آینده است که نقش بسیار در تعادل بوم‌شناختی، در آمدزایی و توسعه روستایی دارد. امروزه به دلایل مختلف از جمله استفاده بی‌رویه و بی‌برنامه از عرصه‌های طبیعی، سرعت تخریب و بهره‌برداری بسیار بیشتر از روند تجدید و بازسازی است و همین مسأله باعث نابودی سطوح گسترده‌ای از منابع و شکنندگی عرصه‌های وسیع‌تر شده است. بنابراین تدوین راهبردهای حفاظت و بهره‌برداری پایدار از این منابع ضروری می‌باشد. اما نقش اصلی با مردم است که ذینفع اصلی این منابع در جوامع محسوب می‌شوند. مشارکت مردم در هر پروژه، ضامن اجرا و پایداری آن پروژه است و این مسأله در حفاظت از منابع طبیعی اهمیت بیشتر دارد. زیرا مسائل مربوط به محیط زیست و منابع طبیعی با زندگی جوامع محلی آمیخته است و توفیق هر نوع برنامه‌ای نیازمند مشارکت این جوامع خواهد بود. بنابراین نقش مردم در تصمیم‌گیری، برنامه‌ریزی، اجرا، نظارت و ارزشیابی هر برنامه حفاظتی اهمیت حیاتی دارد. منابع طبیعی تجدید شونده در ابعاد اقتصادی و اجتماعی به خصوص در امر زیست محیطی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار هستند. این منابع الهی و خدادادی در زندگی امروز از ارزش و اهمیت خاصی برخوردار است که می‌توان به موادی چون تصفیه هوا، جلوگیری از بروز سیل، ارزش‌های تفرجگاهی، ایجاد اشتغال، جلوگیری از فرسایش خاک و تولید علوفه اشاره کرد.

۳- پیشینه تحقیق

تحقیقات مختلفی در زمینه مشارکت و میزان آن در طرح‌های مرتعداری در کشور انجام شده است. در ادامه به برخی از مطالعات و نتایج آنها در زمینه مشارکت دامداران در طرح‌های مرتعداری پرداخته می‌شود. به عنوان مثال حسین پور (۱۳۷۲) نتیجه می‌گیرد که بین ناآگاهی از محتوای برنامه و عدم مشارکت مردم در فعالیت‌های آبخیزداری رابطه وجود دارد. عابدینی (۱۳۸۰) نتیجه می‌گیرد که متغیرهای پایگاه اجتماعی، رفتار عقلانی و پروانه چرا با میزان مشارکت مردم در طرح‌های مرتعداری رابطه دارند. بین رفتار عقلانی و انگیزش دامداران رابطه مثبت و معنادار وجود داشته و همچنین بین پایگاه اجتماعی و انگیزش دامداران رابطه معکوس وجود دارد. خاتون آبادی و دیگران (۱۳۸۰) و پرولی (۲۰۱۱) به بررسی

عوامل بازدارنده مشارکت دامداران در احیای مراتع، تحقیق حسینی، فهام و درویش (۱۳۸۱) به بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت جوامع محلی در مدیریت پایدار منابع آب و خاک در حوزه آبخیز حبله رود، تحقیق فمی، فهام، فتاحی، مریدالسادات و ملکی پور (۱۳۸۸) با عنوان ادراک مرتعداران نسبت به اثربخشی روش‌های ترویجی برای بهبود طرح‌های مرتعداری شهرستان تفرش و خاتون آبادی (۱۳۷۸)، انجو (۲۰۱۱) و پریمر و کیلونن (۲۰۰۶) به عواملی که موجب عدم موفقیت طرح‌های مشارکتی شده می‌پردازد.

خلیقی و قاسمی (۱۳۸۳) در بررسی تأثیر مسائل اقتصادی و اجتماعی بر میزان مشارکت دامداران در طرح‌های مرتعداری معتقدند که دو عامل مالکیت و زمین دیم مهمترین فاکتور مؤثر در مشارکت دامداران می‌باشد.

تحقیقات دیگری نیز وجود داشته که به بررسی عوامل تأثیرگذار در مشارکت طرح‌های مرتعداری پرداخته است. آرایش و حسینی (۱۳۸۹)، لام و دیگران (۲۰۰۵)، رضایی راد، اسدی و بهزادفر (۱۳۹۰)، - شاهرودی و چپنذری (۱۳۸۹)، مصطفی زاده (۱۳۸۰)، صابونچی (۱۳۸۵)، سلیمان پور (۱۳۸۶)، توسان (۲۰۰۰)، امیرنژاد و رفیعی (۱۳۸۸)، جلالی (۱۳۷۹)، شورتال (۲۰۰۸)، شکوری (۱۳۷۸)، مطیعی لنگرودی و سخایی (۱۳۸۸) از جمله پژوهش‌هایی هستند که در بررسی مشارکت در طرح‌ها به عوامل مختلف اجتماعی و اقتصادی مؤثر بر طرح‌های مختلف از جمله طرح‌های مرتعداری دست یافته‌اند.

۴- ادبیات نظری

با توجه به ابعاد توسعه در زمینه‌های مختلف زندگی اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی و برنامه‌ریزی در جهت دستیابی به وضع مطلوب و تلاش در جهت تحقق آن، ضروری است لوازم و تبعات رسیدن به توسعه همه جانبه در رسیدن به وضع مطلوب را پذیرفت و از تمامی منابع و امکانات طبیعی و انسانی بالقوه به صورت مطلوب و حساب شده بهره برد و برای تمامی منابع ارزش ویژه‌ای قائل گردید.

یکی از لوازم برنامه‌ریزی در دنیای جدید، توجه به مشارکت فعال و اثربخش همه جانبه افراد جامعه در تمام ابعاد مختلف توسعه می‌باشد. مشارکت در برگزیده‌ی انواع کنش‌های فردی گروهی به منظور دخالت در تعیین سرنوشت خود و جامعه و تأثیر نهادن بر فرآیندهای تصمیم‌گیری درباره‌ی امور عمومی است. مشارکت می‌تواند در دو سطح مطرح باشد: الف- بعد ذهنی مشارکت که همان تمایل به مشارکت اجتماعی است و ب- بعد عینی و رفتاری مشارکت اجتماعی که به صورت عضویت، نظارت، اجراء و تصمیم‌گیری بروز می‌کند. به عبارت دیگر مشارکت فرآیندی است که در برگزیده‌ی انواع کنش‌های

فردی و گروهی به منظور دخالت در تعیین سرنوشت خود و جامعه و تأثیرگذاران بر تصمیم‌گیری درباره امور عمومی است. بنابراین مشارکت و انگیزش اجتماعی در ابعاد عینی، بیشتر ناظر بر بالا بردن سطح زندگی عمومی از طریق ایجاد شرایط مطلوب و بهینه در زمینه‌های فقرزدایی، تغذیه، بهداشت، مسکن، اشتغال، آموزش و چگونگی گذاران اوقات فراغت می‌باشد و از این جهت مقدمه ضروری توسعه اجتماعی می‌باشد.

بنابراین لازمه توسعه پایا و همه جانبه، بسط روزافزون انگیزش و مشارکت اجتماعی، سیاسی و اقتصادی مردم در تصمیم‌گیری‌ها و تعیین خط مشی مرتبط با زندگی اجتماعی آنهاست. تئوری سرمایه اجتماعی که تحلیل خود متمرکز بر ویژگی‌های کلان اجتماعی می‌کند و معتقد است که این ویژگی‌های کلان اجتماعی انگیزشی در افراد ایجاد می‌کند که عامل مشارکت و توسعه جامعه می‌شود. بنابراین عدم وجود سرمایه اجتماعی (اعتماد و شبکه پیوندها) در افراد سبب عدم مشارکت آنها در فعالیت‌های اجتماعی می‌گردد.

تئوری سرمایه اجتماعی تحلیل خود را متمرکز بر ویژگی‌های کلان اجتماعی می‌کند و معتقد است که این ویژگی‌های کلان اجتماعی انگیزشی در افراد ایجاد می‌کند که عامل مشارکت و توسعه جامعه می‌شود. بنابراین عدم وجود سرمایه اجتماعی (اعتماد و شبکه پیوندها) در افراد، سبب عدم مشارکت آنها در فعالیت‌های اجتماعی می‌شود (حیدرآبادی و رحمانی، ۱۳۸۶).

تالکوت پارسونز در مورد تبیین مشارکت اجتماعی معتقد است باید اثرنظام فرهنگی غالب را (که در نظریه پارسونز بالاترین سطح اطلاعات را دارد) در ساختن شخصیت افراد، از طریق فرآیند اجتماعی کردن در خانواده و مدرسه و غیره بررسی کرد، که آیا در فرهنگ غالب و خرده فرهنگ یک خانواده، ارزش‌های مناسب مشارکت‌های اجتماعی به افراد منتقل می‌شود بله یا خیر. مثلاً شخصیت افراد خاص-گراست یا عام‌گرا؟ آیا افراد باهم همسو هستند یا خیر؟ براساس نظریه پارسونز هرچه عام‌گرایی و همسویی در فرهنگ و شخصیت مردم بیشتر باشد باید انتظار مشارکت اجتماعی بیشتری داشت. لذا اگر ما بتوانیم مجموعه‌ای از ارزش‌ها و قوانین و باورهای عام داشته باشیم، می‌توانیم در انتظار داشتن شخصیت عام‌گرا نیز باشیم. بنابراین برای بالا بردن سطح مشارکت افراد باید قوانینی بوجود آید و تعمیم پیدا کند تا سبب پیوند افراد گردد، هرچه همفکری، همدلی و همگامی افراد در خانواده بیشتر باشد، مشارکت اجتماعی بیشتر خواهد بود (توسلی، ۱۳۸۲، ۲۴۴-۲۴۲؛ اسکیدمور، ۸۷-۸۳).

اساس جوامع روستایی ایران مبتنی بر نظام ایلی و قومی است لذا مشارکت افراد روستایی در امور اجتماعی نه به خاطر انگیزه‌های فردی بلکه عمیقاً تحت سیطره‌ی گروه‌گرایی و قبیله‌گرایی است. از اینجا می‌توان به این نتیجه رسید که حضور مداوم روستائیان در عرصه‌ی مشارکت اجتماعی ناشی از تلاش آنان برای حفظ گروه، قوم، قبیله و ایل و حفظ موجودیت و حریم مادی و معنوی آن است.

نیازهای زیربنایی چون حفظ امنیت ایل، امور مربوط به کشاورزی و دامداری که ادامه حیات ایل وابسته به آن است، محدودیت‌های محیطی و غیره سبب تقویت انگیزه‌های افراد برای این گونه مشارکت‌ها است. مشارکت اجتماعی عامل تقویت همبستگی در شبکه‌های اجتماعی است. میزان موفقیت مشارکت در گرو مهیا بودن شرایط اقتصادی قانونی، فرهنگی و روانشناختی است. مشارکت زمانی ارزشمند است که بر مبنای آن مردم احساس کنند در ارتباط با مسایل مختلف و در شکل‌گیری و یا تحول فضای توسعه‌ای کشورشان از نقش مؤثری برخوردار هستند (پالوج و نقی‌پورفر، ۱۳۸۵: ۱۲۵). مشارکتی اصیل است که خصلت فرآیندی داشته باشد. یعنی در تصمیم‌سازی، تصمیم‌گیری، اجرا، نظارت و نهایت امر مشارکت در منافع است. بنابراین چنانچه کنش‌گران در همه مراحل شرکت کنند آن مشارکت واقعی و اصیل است (غفاری، ۱۳۸۰، ۴۲).

مشارکت به عنوان هدف، خود به عنوان جزعی از فرآیند توسعه قلمداد می‌شود. یعنی با دخالت دادن دیگران در فرآیند توسعه، جامعه تبدیل به جامعه فعال و مشارکتی می‌شود. افراد جامعه از انفعال خارج شده شعاع تعامل‌شان گسترش پیدا می‌کند و به جایی می‌رسد که خودشان متولی توسعه می‌شوند و توسعه را خلق و ایجاد کنند (پالوج و نقی‌پورفر، ۱۳۸۵، ۱۲۲).

از یک دیدگاه دو بعد مشارکت را می‌توان چنین برشمرد: ۱- مشارکت به معنای شرکت در تصمیم‌گیری، تصمیم‌سازی و نظارت اجتماعی. از این نظر مشارکت شامل تمام فعالیت‌ها می‌شود که مستقیم یا غیر مستقیم منجر به تصمیم‌گیری در امور مربوط به جامعه انسانی خواهد شد. چنین برداشتی از مشارکت ریشه در مفهوم شهروندی و دموکراسی حاکم بر یونان باستان دارد. ۲- مشارکت به معنای تشریک مساعی و فعالیت‌های دسته جمعی برای رفع نیازهای روزمره چون تأمین امنیت، جمع‌آوری محصولات کشاورزی و غیره. از این منظر مشارکت سابقه‌ای طولانی دارد که عمر آن به اندازه عمر زندگی اجتماعی بشر است.

۵- روش تحقیق

هدف از روش، شناخت و تشخیص چگونگی انجام کار و پژوهش و وارد شدن به میدان تحقیق است. به عبارت دیگر هدف از این فصل، شناخت روش پژوهش در تحقیقات انسانی است که از مراحل مهم و اساسی یک تحقیق به شمار می‌رود. پژوهش حاضر به روش پیمایش انجام می‌گیرد. روش گردآوری اطلاعات به دو صورت کتابخانه‌ای و میدانی می‌باشد. بدین صورت که اطلاعات نظری و

تئوری از طریق مطالعه اسنادی و کتابخانه‌ای بدست خواهد آمد و در گردآوری داده‌های مربوط به جامعه آماری نیز از روش میدانی یا پیمایش^۱ استفاده شده است.

به عبارت دیگر میزان مشارکت دامداران و روستائیان در طرح‌های مرتعداری ساکن در شهرستان نور بررسی می‌شود و جمع‌آوری اطلاعات در میدان و با مصاحبه با افراد صورت می‌گیرد. روش گردآوری اطلاعات به دو صورت کتابخانه‌ای (اسنادی) و میدانی (استفاده از ابزار پرسشنامه، مشاهده ساخت یافته و مصاحبه‌های عمیق) صورت می‌پذیرد. جامعه آماری دامداران بخش بلده شهرستان نور بوده است. بخش بلده شامل سه دهستان به نام‌های دهستان اوزرود، دهستان تارستاق و دهستان شیخ فضل اله نوری است. بر اساس میزان توسعه یافتگی دهستان‌های تارستاق، اوزرود و شیخ فضل اله نوری بخش بلده در بین ۱۱۲ دهستان کشور به ترتیب در رده‌های ۲۴، ۵۲ و ۷۰ توسعه یافتگی قرار داشته‌اند (حیدرآبادی، ۱۳۸۷، ۸۵). تعداد ۱۷۲ نفر به عنوان حجم نمونه بر اساس فرمول کوکران انتخاب شده‌اند که با روش‌های نمونه‌گیری چند مرحله‌ای و تصادفی سیستماتیک اطلاعات لازم از آنها اخذ می‌شود. برای بررسی ارتباط بین متغیرها از آزمون‌های آماری مناسب مثل آزمون t، آزمون f، ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چند متغیره استفاده شد.

در بحث اعتبار^۲ ابزار تحقیق، از اعتبار صوری استفاده شده است. این اعتبار مبتنی بر داوری و قضاوت متخصصان است. منظور آن است که اعتبار شاخص‌ها یا معرف‌های پژوهش از طریق مراجعه به داوران تعیین می‌شود (ساروخانی، ۱۳۷۷، ۱۳۹). منظور آن است که اعتبار شاخص‌ها یا معرف‌های پژوهش از طریق مراجعه به داوران تعیین می‌شود (رفیع پور، ۱۳۸۲، ۱۴۲).

برای تعیین پایایی^۳ پرسش‌نامه با توجه به نوع سؤالات و گویه‌ها، مناسب‌ترین روش آلفای کرونباخ تشخیص داده شده است. برای تحقیق، این امر ابتدا ۲۰ پرسش‌نامه به طور مقدماتی بین افراد نمونه توزیع و پس از انجام آزمون مقدماتی و جمع‌آوری داده‌ها پایایی و قابلیت اعتماد پرسشنامه محاسبه گردید. میزان آلفای کرونباخ متغیر وابسته میزان مشارکت دامداران در طرح‌های مرتعداری برابر با ۰/۸۳ بوده که نشان‌دهنده همبستگی درونی شدید و قوی بین گویه‌ها است. میزان آلفای کرونباخ برای متغیرهای میزان آگاهی و اطلاعات، شاخص‌های سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی، میزان آموزش دامداران به ترتیب برابر با ۰/۶۱، ۰/۷۷ و ۰/۷۵ می‌باشد.

1 - Survey
2 - validity
3 - Reliability

جدول شماره ۱: تعداد گویه‌ها و مقادیر ضریب آلفای کرونباخ متغیرهای مستقل و وابسته

متغیرها	تعداد گویه‌ها	ضریب آلفای کرونباخ
میزان آگاهی و اطلاعات	۴	۰/۶۱
میزان مشارکت	۱۲	۰/۸۳
شاخص‌های برنامه‌ریزی و سیاستگذاری	۹	۰/۷۷
میزان آموزش	۳	۰/۷۵

۶- فرضیات

- ۱- هرچه پایگاه اقتصادی و اجتماعی افراد ارتقا پیدا کند به همان نسبت از میزان مشارکت آنها در طرح‌های مرتعداری کاسته می‌شود.
- ۲- به نظر می‌رسد بین میزان آگاهی و اطلاعات افراد از طرح‌های مرتعداری با میزان مشارکت آنها رابطه معناداری وجود دارد.
- ۳- بین سابقه دامداری دامداران با میزان مشارکت در طرح‌های مرتعداری رابطه وجود دارد.
- ۴- بین شاخص‌های برنامه‌ریزی و سیاستگذاری و میزان مشارکت دامداران در طرح‌های مرتعداری رابطه وجود دارد.
- ۵- بین ویژگی‌های فردی دامداران و میزان مشارکت در طرح‌های مرتعداری رابطه وجود دارد.
- ۶- به نظر می‌رسد آموزش دامداران نقش مهمی در میزان مشارکت آنها در طرح‌های مرتعداری دارد.

۷- یافته‌ها و نتایج

۷-۱- ویژگی‌های پاسخگویان

سنین افراد مورد مطالعه حداقل برابر با ۲۶ و حداکثر برابر با ۸۵ سال بوده است. میانگین سن پاسخگویان ۵۳/۴۱ سال بوده است. میزان تحصیلات در بین پاسخگویان حداقل بیسواد و حداکثر لیسانس بوده است. اکثر افراد متأهل بوده و ۹۶/۹ درصد کل پاسخگویان را در بر می‌گیرد. اکثریت آنها (۹۳/۷ درصد) شاغل بوده‌اند و دامدار، دامدار-کشاورز و مغازه دار هستند. تعداد اعضای ساکن در خانوارها بین دو تا نه نفر است و سهم قابل توجهی از خانوارها تقریباً پرجمعیت هستند. میانگین تعداد اعضای ساکن در خانوارها برابر با ۴/۸۱ نفر بوده است. از نظر میزان رضایت شغلی، حدود ۶۰ درصد پاسخگویان به طور متوسط و تا حدودی از کار و فعالیت خودشان رضایت داشته‌اند. میزان رضایت شغلی در بین افراد مورد مطالعه بسیار پایین و یا متوسط رو به پایین می‌باشد.

میزان درآمد ماهیانه خانوار بین ۱۰۰ هزار تا ۶۵۰ هزار تومان در ماه بوده است. میانگین درآمد افراد مورد مطالعه برابر با ۲۶۵/۶۲ هزار تومان، میانه برابر با ۲۵۰ هزار تومان و شاخص نما یا مد برابر با ۲۰۰ هزار تومان بوده است. حداقل و حداکثر متوسط مخارج ماهیانه بین ۱۵۰ تا ۷۰۰ هزار تومان در ماه بوده است. تقریباً ۲۵ درصد به طور متوسط ماهیانه ۴۰۰ هزار تومان هزینه داشته‌اند. متوسط ماهیانه هزینه افراد بیشتر از درآمد افراد مورد مطالعه بوده و این نشان می‌دهد که به مشاغلی دیگر به غیر از دامداری و کشاورزی نیز مشغول هستند. میانگین متوسط مخارج ماهیانه برابر با ۳۶۷/۱۹ هزار تومان بوده است. بررسی وضعیت طبقه اجتماعی پاسحگویان نشان می‌دهد که نیمی از افراد (۵۰ درصد) در طبقه اجتماعی متوسط رو به پایین قرار دارند. در مجموع افراد مورد مطالعه در طبقه اجتماعی پایین و متوسط رو به پایین قرار دارند.

حداقل و حداکثر تعداد دام افراد مورد مطالعه به ترتیب برابر با ۳۰ و ۴۰۰ رأس بوده است. حدود ۹/۴ درصد افراد دام‌هایشان کمتر از ۵۰ رأس بوده است. میانگین تعداد دام افراد مورد مطالعه در طرح- های مرتعداری برابر با ۱۱۸/۰۶ رأس بوده است. میانگین زمین دیم برابر با ۱/۹ هکتار بوده است. حدود ۳۴/۴ درصد یک و کمتر از یک هکتار زمین آبی دارند. میانگین زمین آبی برابر با ۱/۷۵ هکتار بوده است.

۸- آزمون فرضیات

نتایج نشان می‌دهد که هرچه پایگاه اقتصادی اجتماعی افراد دامدار ارتقا پیدا کند، به همان نسبت از میزان مشارکت آنها در طرح‌های مرتعداری کاسته می‌شود. به عبارت دیگر هر چه طبقه اجتماعی یا پایگاه اقتصادی و اجتماعی دامداران بالاتر باشد، میزان مشارکت در طرح‌های مرتعداری پایین‌تر است و برعکس هر چه طبقه اجتماعی یا پایگاه اقتصادی و اجتماعی دامداران پایین‌تر باشد، میزان مشارکت در طرح‌های مرتعداری بیشتر است.

میانگین میزان مشارکت در طرح‌های مرتعداری در بین دامداران در چهار طبقه اجتماعی با همدیگر متفاوت است و این تفاوت بر اساس شانس و تصادف نمی‌باشد. میانگین میزان مشارکت در طرح‌های مرتعداری به ترتیب در طبقات پایین برابر با ۳۷/۲۷، در طبقه متوسط رو به پایین برابر با ۳۷/۴۴، در طبقه متوسط برابر با ۲۶/۵۰ و در طبقه متوسط رو به بالا برابر با ۲۴ می‌باشد.

نتایج آزمون‌ها نشان می‌دهد که بین سن افراد و میزان مشارکت دامداران در طرح‌های مرتعداری و همچنین بین تعداد اعضای خانوار (بعد خانواده) با میزان مشارکت دامداران در طرح‌های مرتعداری همبستگی و رابطه وجود ندارد. رابطه معناداری بین دو متغیر میزان آگاهی و اطلاعات با میزان مشارکت در طرح‌های مرتعداری وجود ندارد. همچنین بین سابقه دامداری دامداران با میزان مشارکت در طرح‌های مرتعداری رابطه معناداری وجود ندارد.

ضریب همبستگی پیرسون نشانگر وجود رابطه بین دو متغیر برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری و همچنین میزان مشارکت دامداران بوده چرا که مقدار آن $0/375-$ و سطح معناداری آن $0/034$ است. رابطه بین متغیر شاخص‌های برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری و میزان مشارکت در طرح‌های مرتعداری متوسط و منفی است که با افزایش میزان برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری، از میزان مشارکت در طرح‌های مرتعداری کاسته می‌شود و با کاهش میزان برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری، به میزان مشارکت در طرح‌های مرتعداری افزوده می‌شود.

نتایج نشان می‌دهد که میزان مشارکت دامداران در طرح‌های مرتعداری با متغیر میزان مخارج ماهیانه افراد همبستگی منفی و معناداری در سطح $0/05$ دارد. همبستگی بین میزان مخارج ماهیانه و میزان مشارکت منفی و معنادار بوده است. با افزایش میزان مخارج ماهیانه، از میزان مشارکت در طرح‌های مرتعداری کاسته می‌شود و با کاهش میزان مخارج ماهیانه، به میزان مشارکت دامداران در طرح‌های مرتعداری افزوده می‌شود. نتایج آزمون همبستگی پیرسون نشان می‌دهد که میزان مشارکت دامداران در طرح‌های مرتعداری با متغیر میزان درآمد افراد همبستگی منفی و معناداری دارد. با افزایش میزان درآمد، از میزان مشارکت دامداران کاسته می‌شود و با کاهش میزان درآمد، به میزان مشارکت دامداران در طرح‌های مرتعداری افزوده می‌شود.

براساس آزمون تفاوت میانگین‌ها، میزان مشارکت دامداران در طرح‌های مرتعداری بر حسب وضعیت تأهل، محل تولد و وضعیت اشتغال تفاوت معنادار مشاهده نشده است. میانگین میزان مشارکت دامداران در طرح‌های مرتعداری در بین متأهلین بیشتر از مجردان بوده و این نسبت در بین متأهلین با نسبت $35/7$ به $32/0$ بیشتر از مجردان است. حال میانگین میزان مشارکت دامداران در طرح‌های مرتعداری در افراد شاغل و بازنشسته با نسبت $35/6$ به 35 تقریباً برابر است. میانگین میزان مشارکت دامداران در طرح‌های مرتعداری در افراد متولد شده شهری با نسبت $35/7$ به $35/5$ بیشتر از افراد متولد شده در نقاط روستایی است. نتایج حاکی از آن است که علیرغم عدم وجود تفاوت معنی‌دار میانگین میزان مشارکت دامداران در طرح‌های مرتعداری با توجه به میزان رضایت شغلی، میانگین میزان مشارکت دامداران در طرح‌های مرتعداری با میزان رضایت متوسط پایین‌تر از سایر دامداران با رضایت شغلی کم و خیلی پایین است.

جهت سنجش میانگین میزان مشارکت دامداران در طرح‌های مرتعداری با توجه به میزان تحصیلات از آزمون واریانس یک طرفه استفاده شده است. نتیجه حاکی از آن است که تفاوت معناداری بین میزان تحصیلات دامداران و میانگین میزان مشارکت دامداران در طرح‌های مرتعداری وجود دارد و این تفاوت ناشی از شانس و تصادف نمی‌باشد. نتایج آزمون دانکن نشان می‌دهد که افراد مورد مطالعه بر حسب تحصیلات در دو طبقه قرار می‌گیرند که در طبقه اول میانگین میزان مشارکت دامداران در طرح‌های

مرتعداری برابر با ۱۸/۵ و در طبقه دوم میانگین میزان مشارکت دامداران در طرح‌های مرتعداری بین ۳۲ تا ۳۹ می باشد.

ضریب همبستگی پیرسون نشانگر وجود رابطه بین دو متغیر آموزش دامداران و میزان مشارکت در طرح‌های مرتعداری بوده چرا که مقدار آن ۰/۵۶۰ و سطح معناداری آن ۰/۰۰۱ است. رابطه بین متغیر میزان آموزش و میزان مشارکت در طرح‌های مرتعداری نسبتاً بالا و مثبت است که با افزایش میزان آموزش، به میزان مشارکت دامداران در طرح‌های مرتعداری افزوده می شود و با کاهش میزان آموزش دامداران، از میزان مشارکت دامداران در طرح‌های مرتعداری کاسته می شود.

جدول شماره ۲: همبستگی بین متغیرهای مستقل با متغیر میزان مشارکت در طرح‌های مرتعداری

متغیرهای مستقل	سطح سنجش	نوع آزمون	مقدار آزمون	سطح معناداری	نتیجه آزمون
پایگاه اقتصادی اجتماعی	ترتیبی	آزمون f	۳/۴۶	۰/۰۳۰	همبستگی و رابطه معنادار
آموزش دامداران	فاصله‌ای	پیرسون	-۰/۳۷۵	۰/۰۳۴	همبستگی منفی و معکوس
میزان آگاهی و اطلاعات	فاصله‌ای	پیرسون	-۰/۰۱۱	۰/۹۵۴	عدم همبستگی
برنامه ریزی و سیاستگذاری	فاصله‌ای	پیرسون	-۰/۳۷۵	۰/۰۳۴	همبستگی منفی و معکوس
سابقه دامداری	فاصله‌ای	پیرسون	-۰/۳۰۴	۰/۰۹۶	عدم همبستگی
سن	فاصله‌ای	پیرسون	۰/۲۰۶	۰/۲۵۸	عدم همبستگی
درآمد	فاصله‌ای	پیرسون	-۰/۳۷۴	۰/۰۳۵	همبستگی منفی و معکوس
میزان مخارج ماهیانه	فاصله‌ای	پیرسون	-۰/۳۵۵	۰/۰۴۶	همبستگی منفی و معکوس
تعداد اعضای خانوار	فاصله‌ای	پیرسون	۰/۰۲۰	۰/۹۱۴	عدم همبستگی
محل تولد	اسمی	آزمون t	۰/۰۹۰	۰/۹۲۹	عدم وجود تفاوت معنی دار
وضعیت اشتغال	اسمی	آزمون t	۰/۱۰۵	۰/۹۱۷	عدم وجود تفاوت معنی دار
وضعیت تأهل	اسمی	آزمون f	۰/۴۴۵	۰/۶۶۰	عدم وجود تفاوت معنی دار
میزان تحصیلات	ترتیبی	آزمون f	۲/۵۷	۰/۰۵۰	وجود تفاوت معنی دار
میزان رضایت شغلی	ترتیبی	آزمون f	۰/۴۷۳	۰/۶۲۸	عدم وجود تفاوت معنی دار

نتایج رگرسیون نشان می دهد که مقدار ضریب همبستگی چندگانه برابر با ۰/۷۰۳ می باشد که این ضریب شدت بالای رابطه بین متغیر وابسته میزان مشارکت در طرح‌های مرتعداری و متغیرهای مستقل را

نشان می‌دهد. مقدار ضریب تعیین نشان می‌دهد که ۴۹/۵ درصد از تغییرات میزان مشارکت در طرح‌های مرتعداری به متغیرهای مستقل مربوط می‌شود و بقیه آن یعنی ۵۰/۵ درصد به عوامل دیگری بستگی دارد که در این پژوهش به آنها اشاره نشده است. تقریباً نیمی از تغییرات متغیر میزان مشارکت در طرح‌های مرتعداری توسط متغیرهای مستقل انتخاب شده توسط محقق تبیین شده است. تحلیل واریانس نشان می‌دهد که متغیرهای مستقل وارد شده توانسته‌اند اکثر تغییرات متغیر وابسته میزان مشارکت در طرح‌های مرتعداری را پیش‌بینی کنند. به عبارت دیگر این آزمون نشان می‌دهد که داده‌های پرسشنامه محقق ساخته، برای انجام رگرسیون چندمتغیره مناسب می‌باشند. متغیرهای میزان آموزش دامداران و میزان برنامه‌ریزی و سیاستگذاری نقش بیشتری در مقایسه با سایر متغیرها در تبیین متغیر میزان مشارکت در طرح‌های مرتعداری دارند. دو متغیر میزان آموزش دامداران و میزان برنامه‌ریزی و سیاستگذاری در سطح بیش از ۹۵ درصد معنادار هستند. اما متغیرهای دیگر از مقدار خطایی بیش از ۰/۰۵ برخوردارند و رابطه معناداری با میزان مشارکت در طرح‌های مرتعداری ندارند.

جدول شماره ۳: ضرایب رگرسیونی متغیرهای مستقل با میزان مشارکت در طرح‌های مرتعداری

متغیرهای مستقل	ضریب رگرسیون	خطای استاندارد	ضریب بتا	آزمون t	سطح معناداری
مقدار ثابت	۱۰/۲۴۶	۱۱/۹۶۷	---	۰/۸۵۶	۰/۴۰۱
میزان آگاهی	۰/۵۲۳	۰/۴۹۱	۰/۲۰۹	۱/۰۶۶	۰/۲۹۸
برنامه‌ریزی و سیاستگذاری	-۰/۶۴۵	۰/۲۸۵	-۰/۴۸۶	-۲/۲۶۲	۰/۰۳۴
میزان آموزش دامداران	۱/۵۴۰	۰/۵۱۶	۰/۵۱۸	۲/۹۸۵	۰/۰۰۷
سن	۰/۱۸۹	۰/۱۰۰	۰/۳۵۳	۱/۸۹۱	۰/۰۷۲
تحصیلات	۲/۱۸۴	۱/۴۳۶	۰/۳۲۵	۱/۵۲۱	۰/۱۴۳
میزان رضایت شغلی	۲/۳۰۹	۱/۸۹۹	۰/۲۲۰	۱/۲۱۶	۰/۲۳۷
طبقه اجتماعی	-۱/۸۴۰	۱/۷۵۹	-۰/۱۹۴	-۱/۰۴۶	۰/۳۰۷
سابقه دامداری	-۰/۰۲۰	۰/۰۱۳	-۰/۲۶۱	-۱/۵۲۸	۰/۱۴۱
	Sig= ۰/۰۳۱	F= ۲/۶۹		R^۲ = ۰/۴۹۵	R= ۰/۷۰۳

۹- بحث و نتیجه‌گیری

مشارکت مردمی امروزه در اجتماعات بشری از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. مشارکت اجتماعی عامل تقویت همبستگی در شبکه‌های اجتماعی است. حضور افراد در فعالیت‌ها و تصمیم‌گیری‌های اجتماعی در بلندمدت موجب تعمیق روابط بین اعضای جامعه و افزایش احساس یگانگی می‌شود.

یکی از مهمترین و با ارزش ترین جنبه های مشارکت این است که علاوه بر تشویق به حداکثر تلاش و کوشش، نیروی ابتکار، خلاقیت و سازندگی افراد را نیز شکوفا می کند. شوق به انجام کار گروهی و مسؤولانه، افراد را وادار می کند که برای هر مشکلی، بهترین و عملی ترین راه حل ها را پیدا کنند. طرح مشارکت اجتماعی به مفهوم عمومی آن یعنی بنا به قول بیرو به معنای سهیم شدن در منافع حاصل از یک کار جمعی یا عضویت در گروه خاص و فعالیت در یک عمل گروهی، تاریخی به اندازه زندگی اجتماعی بشر دارد. از این جهت می توان نخستین گروهی که از انسان های اولیه تشکیل شده است را یک جامعه مشارکتی نامید، زیرا زندگی انسانی بدون سهیم شدن آنها در فعالیت های دسته جمعی و گروهی خاص امکان ناپذیر است. بشر موجودی اجتماعی است و بدون شرکت کردن در فعالیت های جمعی زندگی او بی معنی است انسان از آغازین روز زندگی خود بر کره خاکی نوعی تقسیم کار را به وجود آورده است که این تقسیم کار در کنار این که او را برای به فعلیت در آوردن استعدادهایش توانا ساخته امر مشارکت افراد را در امور زندگی انسانی نیز میسر ساخته است. این شکل از مشارکت را که به طور کلی بدان اشاره کردیم به نوعی می توان مشارکت از روی ضرورت دانست زیرا انسان ها در صورتی که به آن دست نزنند حیات جمعی آنان تهدید می شود.

در این پژوهش به عوامل اقتصادی و اجتماعی مؤثر بر میزان مشارکت در طرح های مرتعداری در شهرستان نور پرداخته شد و مهمترین عوامل تأثیرگذار مورد شناسایی و بررسی قرار گرفتند. یکی از عوامل اقتصادی و اجتماعی مؤثر بر میزان مشارکت در طرح های مرتعداری در شهرستان نور امر آموزش دامداران است. به عبارت دیگر تعلیم و آموزش امور مربوط به طرح های مرتعداری به روستائیان و دامداران منطقه نقش بارزی در افزایش مشارکت آنها در طرح های مرتعداری داشته است. نتایج این پژوهش نشانگر آن است که رابطه بین متغیر میزان آموزش دامداران و میزان مشارکت در طرح های مرتعداری نسبتاً بالا و مثبت است که با افزایش میزان آموزش دامداران، به میزان مشارکت دامداران در طرح های مرتعداری افزوده می شود و با کاهش میزان آموزش دامداران، از میزان مشارکت دامداران در طرح های مرتعداری کاسته می شود.

یکی از مهمترین عوامل رشد و توسعه اجتماعی و اقتصادی یک جامعه به ویژه در جوامع روستایی، نقش و حضور فعالانه مردم در کارها و فعالیت های مربوط به روستای خود است. بدون همپاری و مشارکت مردم، توسعه مفهومی نخواهد داشت، چرا که هرگامی که در راه رشد و توسعه برداشته می شود، باید با همراهی مردم انجام گیرد. جهت این کار آموزش و بالا بردن سطح دانش، آگاهی و اطلاعات دامداران نقش زیادی در افزایش مشارکت و بهبود روند توسعه اقتصادی و اجتماعی روستاها دارد. این یافته ها با نتایج عابدینی (۱۳۸۰)، خاتون آبادی و دیگران (۱۳۸۰) و شیرانی (۱۳۷۶) همسو و هماهنگ بوده و همدیگر را تأیید می کنند. پس برای افزایش مشارکت مردم و دامداران در طرح های

مرتعداری بایستی آموزش دامداران سرلوحه کار قرار گیرد. چرا که مرتعداران با سواد بالاتر و دامداران ساکن مشارکت بهتری در کلاس‌ها دارند و همچنین اگر از افراد باسواد برای جلب مشارکت افراد بیسواد استفاده شود، بهتر خواهد بود. علاوه بر این باید برنامه‌ریزی کلاس‌ها با مشارکت دامداران انجام شود و به نظرات کارشناس طرح در منطقه اهمیت داده شود.

یکی از عوامل مهم تأثیرگذار بر میزان مشارکت دامداران در طرح‌های مرتعداری، برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری‌ها است. ضریب همبستگی پیرسون نشانگر وجود رابطه بین دو متغیر برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری و همچنین میزان مشارکت دامداران بوده چرا که مقدار آن $0/375-$ و سطح معناداری آن $0/034$ است. یافته‌ها نشان می‌دهد که برنامه‌ریزی نقش مهمی در افزایش میزان مشارکت دارد. این نتایج با یافته‌های سلیمان‌پور (۱۳۸۶) و آرایش و حسینی (۱۳۸۹) همسو بوده چرا که در هر دو پژوهش دریافته شد که ساختار و برنامه‌ریزی تشکیلات ترویج با متغیر مشارکت مردمی رابطه وجود دارد. رابطه بین متغیر شاخص‌های برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری و میزان مشارکت در طرح‌های مرتعداری متوسط و منفی است که با افزایش میزان برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری، از میزان مشارکت در طرح‌های مرتعداری کاسته می‌شود و با کاهش میزان برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری، به میزان مشارکت در طرح‌های مرتعداری افزوده می‌شود.

یکی دیگر از عوامل مهم و مؤثر در امر مشارکت در طرح‌های مرتعداری، میزان تحصیلات و سطح سواد و دانش می‌باشد. اکثریت روستاییان با مشکل نداشتن سواد و یا کم سواد و مهارت‌های تخصصی دست به گریبان هستند. روستاییان به ویژه محروم‌ترین آنان اغلب از نهضت سواد و فرصت فراگیری آن به دلایل مختلف محروم مانده‌اند. این افراد به دلیل این امر اغلب انگیزه مشارکت در طرح‌ها را ندارند و از شرکت در برنامه‌های توسعه باز می‌مانند.

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که تفاوت در میزان تحصیلات و یا کم و زیادبودن نقش جالب توجهی در زمینه میزان مشارکت دامداران در طرح‌های مرتعداری دارد و اکثراً افراد با تحصیلات بالاتر از میانگین مشارکت بالاتری برخوردارند. نتایج پژوهش با یافته‌های مطیعی لنگرودی و سخایی (۱۳۸۸)، عابدینی (۱۳۸۰)، خاتون آبادی و دیگران (۱۳۸۰)، جلالی (۱۳۷۹) و فهمی و دیگران (۱۳۸۸) همسو و هماهنگ می‌باشد و همدیگر را تأیید می‌نمایند.

پایگاه اقتصادی و اجتماعی از جمله عواملی است که نقش آن در میزان مشارکت دامداران در طرح‌های مرتعداری بارز بوده است. نتایج نشان می‌دهد که میانگین میزان مشارکت در طرح‌های مرتعداری در بین دامداران در چهار طبقه اجتماعی با همدیگر متفاوت است و این تفاوت بر اساس شانس و تصادف نمی‌باشد. بر حسب پایگاه اقتصادی و اجتماعی، میانگین میزان مشارکت در طرح‌های مرتعداری به ترتیب در طبقات پایین برابر با $37/27$ ، در طبقه متوسط رو به پایین برابر با $37/44$ ، در طبقه

متوسط برابر با ۲۶/۵۰ و در طبقه متوسط رو به بالا برابر با ۲۴ می‌باشد. به عبارت دیگر هر چه طبقه اجتماعی یا پایگاه اقتصادی و اجتماعی دامداران بالاتر باشد، میزان مشارکت در طرح‌های مرتعداری پایین‌تر است و برعکس هر چه طبقه اجتماعی یا پایگاه اقتصادی و اجتماعی دامداران پایین‌تر باشد، میزان مشارکت در طرح‌های مرتعداری بیشتر است. یافته‌ها با نتایج پژوهش‌های مطیع لنگرودی و سنخایی (۱۳۸۸)، عابدینی (۱۳۸۰) و رستمی و فمی (۱۳۷۹) هماهنگ و همسو بوده و همدیگر را به صورت تجربی تأیید می‌نمایند.

درآمد و مخارج و همچنین هزینه‌های سالیانه دامداران نیز از جمله عوامل تأثیرگذار بر میزان مشارکت در طرح‌های مرتعداری بوده است. نتایج آزمون همبستگی پیرسون نشان می‌دهد که میزان مشارکت دامداران در طرح‌های مرتعداری با متغیر میزان مخارج ماهیانه افراد همبستگی منفی و معناداری دارد. با افزایش میزان مخارج ماهیانه، از میزان مشارکت دامداران در طرح‌های مرتعداری کاسته می‌شود و با کاهش میزان مخارج ماهیانه، به میزان مشارکت دامداران در طرح‌های مرتعداری افزوده می‌شود. همچنین نتایج آزمون نشان می‌دهد که میزان مشارکت دامداران در طرح‌های مرتعداری با متغیر میزان درآمد افراد همبستگی منفی و معناداری دارد. مقدار ضریب همبستگی پیرسون $-۰/۳۷۴$ و سطح معناداری آن $۰/۰۳۵$ است. با افزایش میزان درآمد، از میزان مشارکت دامداران در طرح‌های مرتعداری کاسته می‌شود و با کاهش میزان درآمد، به میزان مشارکت دامداران در طرح‌های مرتعداری افزوده می‌شود. نتایج این پژوهش با یافته‌های سایر محققینی که در فصل دوم و در قسمت ادبیات و سوابق تحقیق به آنها پرداخته شد، هماهنگ می‌باشد. مثلاً یافته‌های حسینی، فهام و درویش (۱۳۸۱)، شاهرودی و چیدری (۱۳۸۹) و صابونچی (۱۳۸۵) از آن جمله هستند.

۱۰- پیشنهادات

- با توجه به یافته‌ها و نتایج این پژوهش می‌توان موارد زیر را به عنوان پیشنهاد مطرح نمود:
- ۱- یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که یکی از عوامل مؤثر بر میزان مشارکت دامداران در طرح‌های مرتعداری، میزان آموزش دامداران و افراد ساکن در نقاط روستایی است. پس بایستی به گسترش کمی و کیفی برنامه‌های ترویجی ارائه شده از سوی سازمان‌های اجرایی و غیره پرداخت.
 - ۲- پیشنهاد می‌شود موضوع تأثیر عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر میزان مشارکت دامداران در طرح‌های مرتعداری در دیگر شهرستان‌ها و مناطق مرتعی مشابه مورد بررسی و با هم دیگر مقایسه شود تا مشخص گردد علت‌های این پدیده در این شهرستان با سایر شهرستان‌های کشور و یا حتی استان‌ها تفاوت ماهوی دارد یا خیر؟

- ۳- کلیه فعالیت‌های پژوهشی که در رابطه با موضوع تأثیر عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر میزان مشارکت دامداران در طرح‌های مرتعداری انجام شده، به وسیله محققین در آینده از تکنیک فرا تحلیل بهره جسته و آنها را به مسؤولین مربوطه ارجاع دهند.
- ۴- در این پژوهش سنجش بسیاری از متغیرهای مهم میسر نشد. پیشنهاد می‌شود در تحقیقات آتی سنجش متغیرهایی همچون قومیت، رضایت از زندگی، هویت، مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی و شبکه روابط اجتماعی مورد سنجش قرار گیرد. همچنین با انجام تحقیقی به شیوه مقایسه‌ای، این موضوع در سایر شهرستانها مورد بررسی قرار گیرد.
- ۵- بایستی سعی شود سیاست‌هایی اتخاذ گردد که سطح سواد مرتعداران را ارتقا دهد، چرا که با افزایش سطح دانش و آگاهی روستائیان و دامداران منطقه بر میزان مشارکت آنها افزوده می‌گردد.
- ۶- با توجه به نقش برنامه‌ریزی‌ها و سیاستگذاری، لازم است در این زمینه دولت و سازمان‌های مرتبط تمام تلاش خود را به کار گیرند.

فهرست منابع

- آرایش محمدباقر و فرج اله حسینی سیدجمال، ۱۳۸۹، تحلیل رگرسیونی عوامل مؤثر بر مشارکت مردم در حفظ، احیا، توسعه و بهره برداری منابع طبیعی تجدید شونده از دیدگاه کارشناسان منابع طبیعی استان ایلام، اقتصاد و توسعه کشاورزی (علوم و صنایع کشاورزی) بهار ۱۳۸۹؛ ۲۴(۱): ۴۹-۵۸.
- امیرنژاد، حمید و رفیعی، حامد، ۱۳۸۸، بررسی تأثیر عوامل اقتصادی - اجتماعی بر مشارکت بهره‌برداران در اجرای طرح‌های مرتعداری، مجله مرتع، زمستان ۱۳۸۸، ۳(۴): ۷۱۰-۷۲۲.
- بیرو، آلن، ۱۳۷۰، فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه باقر ساروخانی، انتشارات کیهان، تهران، چاپ اول.
- پالوج، مجتبی و نقی پورفر، ولی الله، ۱۳۸۵، نقش فرهنگ و مدیریت جهادی در تقویت و توسعه سرمایه‌های اجتماعی و مشارکت مردمی، مجموعه مقالات همایش فرهنگ و مدیریت جهادی، وزارت جهاد کشاورزی، معاونت توسعه مدیریت و منابع انسانی.
- توسلی، غلامعباس، ۱۳۸۲، مشارکت اجتماعی در شرایط جامعه آنومیک، مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
- خاتون آبادی، سید احمد، امینی، امیر مظفر و میرزاعلی، عبدالطاهر، ۱۳۸۰، عوامل بازدارنده مشارکت دامداران در احیای مراتع آق قلا در استان گلستان، فصلنامه علوم و فنون کشاورزی و منابع طبیعی، جلد پنجم، شماره اول، صص ۵۴-۳۹.

۷. خاتون آبادی، سید احمد، ۱۳۷۸، مشارکت انسانی و ارتباط دوسویه: چارچوبی برای تشکیل گروه‌های حافظ منابع طبیعی و توسعه پایدار، مجموعه مقالات همایش منابع طبیعی، مشارکت و توسعه، سازمان جنگل ها و مراتع کشور.
۸. خلیقی، نعمت الله و قاسمی، تاج محمدحسن، ۱۳۸۳، بررسی تأثیر مسائل اقتصادی و اجتماعی بر میزان مشارکت دامداران در طرح های مرتعداری شمال استان تهران، مجله علوم کشاورزی و منابع طبیعی، سال یازدهم، شماره اول، صص ۱۸۹-۱۸۱.
۹. جلالی، محمد، ۱۳۷۹، واکاوی تعاونی‌های مرتعداری استان کردستان: سازه‌های مؤثر بر مشارکت مرتعداران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز، شیراز.
۱۰. جلالی، خداکرم، ۱۳۸۲، ساماندهی اشتغال دانش‌آموختگان رشته‌های کشاورزی و منابع طبیعی، فصلنامه نظام مهندسی کشاورزی و منابع طبیعی، شماره ۱، صص ۱۹-۲۲.
۱۱. حامد مقدم، احمد، ۱۳۷۰، مشارکت و توسعه روستایی، مجموعه مقالات سمینار جامعه‌شناسی توسعه، جلد دوم، انتشارات سمت، تهران.
۱۲. حسین‌پور، ابوطالب، ۱۳۷۲، بررسی ضرورت مشارکت و تعیین نیازهای آموزشی روستائیان دامدار و جنگل نشینان برای حفاظت خاک و آبخیزداری در حوزه رودخانه هراز آمل، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس تهران.
۱۳. حیدرآبادی، ابوالقاسم و رحمانی فیروزجاه، علی، ۱۳۸۶، رویکردی نظری بر مفهوم سرمایه اجتماعی، مجموعه مقالات همایش منطقه ای سرمایه اجتماعی چالش ها و راهکارها، معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد دهاقان. صص ۱۸۰-۱۶۳.
۱۴. حیدرآبادی، ابوالقاسم و رحمانی فیروزجاه، علی، ۱۳۸۸، بررسی ارزش های اجتماعی مؤثر بر توسعه فرهنگی در استان مازندران، همایش منطقه ای راهبردهای توسعه منطقه ای نور در افق ۱۴۰۴، دانشگاه آزاد اسلامی نور. صص ۲۳۵-۲۱۵.
۱۵. رفیع‌پور، فرامرز، ۱۳۸۲، کندوکاوها و پنداشته‌ها؛ مقدمه ای بر روش های شناخت جامعه و تحقیقات اجتماعی، شرکت سهامی انتشار، تهران.
۱۶. ساروخانی، باقر، ۱۳۷۷، روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی، جلد دوم، انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، چاپ چهارم.

۱۷. سلیمان پور، سیدمسعود، ۱۳۸۶، بررسی مشارکت‌پذیری و توسعه پایدار در مدیریت جامع منابع طبیعی، چهارمین همایش ملی علوم و مهندسی آبخیزداری ایران مدیریت حوزه های آبخیز.
۱۸. شاهرودی علی اصغر، چیدری محمد، ۱۳۸۶، عوامل تأثیرگذار بر نگرش کشاورزان نسبت به مشارکت در تعاونی آب‌بران (مطالعه موردی در استان خراسان رضوی)، مجله علوم آب و خاک - علوم و فنون کشاورزی و منابع طبیعی دانشگاه اصفهان، ۱۱ (۴۲): ۲۹۹-۳۱۲.
۱۹. شعبانعلی فمی، حسین، الهام فهام، رجبعلی، فتاحی، پگاه مریدالسادات، راحیل، ملکی پور، ۱۳۸۸، بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت مرتعداران در طرح‌های مرتعداری (مطالعه موردی: مراتع شهرستان تفرش)، مجله مرتع، سال چهارم، شماره ۴ (پیاپی ۱۶).
۲۰. شعبانعلی فمی حسین، فهام الهام، فتاحی رجبعلی، مریدالسادات، پگاه، ملکی پور، راحیل، ۱۳۸۸، ادراک مرتعداران نسبت به اثربخشی روش های ترویجی برای بهبود طرح های مرتعداری شهرستان تفرش، مرتع و آبخیزداری (منابع طبیعی ایران)، ۶۲(۳): ۳۸۹-۴۰۳.
۲۱. شکوری، علی، ۱۳۷۸، پژوهشی در توسعه و مشارکت در روستاهای برگزیده استان آذربایجان شرقی، مجله پژوهش‌های جغرافیایی، شماره: ۳۷، صص ۸۹-۱۰۴.
۲۲. شیرانی، ماهان، ۱۳۷۶، بررسی راه‌های جلب مشارکت دامداران در بخش آموزشی طرح‌های مرتعداری در منطقه ساوه در سال ۱۳۷۶-۱۳۷۵، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم تحقیقات تهران.
۲۳. صابونچی، افروز، ۱۳۸۵، عوامل مؤثر در مشارکت مرتعداران روستایی در طرح‌های احیاء مراتع شهرستان کرمانشاه سال زراعی ۱۳۸۵-۱۳۸۴، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران.
۲۴. عابدینی، خلیل، ۱۳۸۰، بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر مشارکت دامداران در طرح‌های مرتعداری منطقه دماوند حوزه آبخیز لار(استان تهران) مجله جنگل و مرتع شماره ۵۳، صص ۴۴-۵۲.
- ۲۵- غفاری، غلامرضا، ۱۳۸۰، دولت و مشارکت اجتماعی روستائیان. فصلنامه اقتصاد توسعه.
- ۲۶- محسنی، منوچهر، ۱۳۷۴، بررسی زمینه‌های مشارکت روستائیان و ارتباط آن با ترویج کشاورزی، معاونت ترویج و مشارکت مردمی وزارت جهاد سازندگی.
۲۷. مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵، نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن، سال‌های ۱۳۶۵، ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵.

۲۸. مرکز تحقیقات کشاورزی و منابع طبیعی مازندران، ۱۳۹۰، دستورالعمل فنی: طرح تسریع انتقال یافته‌ها- موضوع مرتعداری در استان مازندران، نگارش کمیته فنی طرح، سازمان ترویج، آموزش و تحقیقات کشاورزی، مرکز تحقیقات کشاورزی و منابع طبیعی مازندران.
۲۹. مطیعی لنگرودی، سیدحسن، سخایی، فاطمه، ۱۳۸۸، مشارکت مردمی و توسعه‌یافتگی روستایی در دهستان سلگی شهرستان نهاوند، پژوهش‌های جغرافیای انسانی (پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۴۱ (۷۰)، صص ۱۱۱-۱۲۶.
۳۰. مصطفی‌زاده، علی، ۱۳۸۰، نقش مشارکت مردم در طرح‌ها و پروژه‌های مرتعداری شمال استان آذربایجان غربی، چکیده گزارش نهایی پروژه‌ها، طرح‌های تحقیقاتی سازمان تحقیقات و آموزش کشاورزی، گروه تحقیقات و بررسی مسائل روستائی، ارومیه، ایران.
31. Njoh, Ambe J. (2011). Municipal councils, international NGOs and citizen participation in public infrastructure development in rural settlements in Cameroon, *Habitat International*, Volume 35, Issue 1, January 2011, Pages 101-110.
32. Primmer, Eeva. Kyllönen, Simo. (2006). Goals for public participation implied by sustainable development, and the preparatory process of the Finnish National Forest Program, *Forest Policy and Economics*, Volume 8, Issue 8, 1 November 2006, Pages 838-853.
33. Proli, Stefania. (2011). Improving an urban sustainability environment through community participation: the case of Emilia-Romagna region, *Procedia Engineering*, Volume 21, 2011, Pages 1118-1123.
34. Salam, M.A. Noguchi, T. Koike, M. (2005). Factors influencing the sustained participation of farmers in participatory forestry: a case study in central Sal forests in Bangladesh, *Journal of Environmental Management*, Volume 74, Issue 1, January 2005, Pages 43-51.
35. Shortall, Sally. (2008). Are rural development programs socially inclusive? Social inclusion, civic engagement, participation, and social capital: Exploring the differences, *Journal of Rural Studies*, Volume 24, Issue 4, October 2008, Pages 450-457.

36. Tosun, Cevat. (2000). Limits to community participation in the tourism development process in developing countries, *Tourism Management*, Volume 21, Issue 6, December 2000, Pages 613–633.

Archive of SID